۱۰ پیشنهاد صاحب‌نظران به ژنرال زنگنه

چرا نباید نگران فروش نفت باشیم؟

علی جمشیدی
دبیرگروه‌سیاسی

تحریم‌های آمریکا علیه ایران تمام و کمال بازگشته و شرایط اقتصادی و سیاسی جدیدی را برای ایران رقم زده است. در این بین اروپایی‌ها که قرار بود منافع ایران را تضمین کنند و نگذارند که خروج آمریکا به سودهای برجام برای ایران لطمه وارد کند، تقریبا هیچ اقدامی نکرده‌اند و با گفتار درمانی تلاش کرده‌اند هم کنار ایران بمانند و هم در عمل کاری نکنند که مشمول تحریم‌های آمریکا شوند. در این مساله مهمی که برای جامعه ایرانی و اقشار مختلف مانند نخبگان می‌توان مهم باشد این است که با توضیحات دقیق از اقدامات ایالات متحده آمریکا اطلاع داشته باشند و همین طور از ظرفیت‌های داخلی برای شکستن این اقدامات که حداقل سود آن نیز ممانعت از رسوب برداشت‌های افراطی و تفریطی از اقدامات آمریکا و همچنین توانمندی‌های ایران در کف جامعه است. «فرهیختگان» در این میان با گفت‌وگوهایی تلاش کرده این دو موضع را به‌خوبی مورد بررسی قرار دهد. سید حمید حسینی کارشناس بامابقه عرصه نفت و سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان نفت و انرژی، نصرت‌الله تاجیک کارشناس سیاست خارجی و دیپلمات سابق و همچنین ساسان شاهویسی اقتصاددان و استاد دانشگاه پاسخگوی سوالات «فرهیختگان» بوده‌اند که مشروح آنها در ادامه از نظر می‌گذرد.

تحلیلی درباره تحریم‌های ۱۳ آبان و شرایط تحریمی ایران به‌ویژه تحریم نفت و وضعیت فروش نفت بفرمایید.

آمریکایی‌ها ادعا کرده بودند از چهار نوامبر تحریم‌های نفتی را بازمی‌گردانند و به هیچ کسی معافیت نمی‌دهند. ضمن اینکه صادرات نفت ایران را به صفر می‌رسانند و قیمت نفت را هم افزایش نخواهند داد ولی شرایط به طریقی جلو رفت که آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که تحقق ادعاهایشان امکان‌پذیر نیست.

واقع‌بینانه بحث عرضه و تقاضای نفت و نیاز بازار مشخص است و جبران کسری صادرات نفت ایران توسط بقیه کشورها قابل تامین نیست و خروج ایران از این بازار می‌تواند باعث افزایش شدید قیمت‌ها شود؛ چنانکه ما شاهد بودیم قیمت‌ها تا کانال ۸۰-۹۰ دلار هم بالا رفت.

تاخیر تحلیلی که می‌شد و درست هم از کار درآمد این بود که بالاخره خرید نفت ایران برای بسیاری کشورها اقتصادی است و با توجه به پایبندی ایران به برجام و نبودن تحریم‌های شورای امنیت، این کشورها با تحریم آمریکا رعایت نمی‌کنند یا آمریکا مجبور می‌شود معافیت‌هایی را برای این کشورها در نظر بگیرد، لذا شاهد بودیم آمریکایی که تا آخر مقاومت می‌کرد و معافیتی درنظر نمی‌گرفت، مجبور شد به همه خریداران بزرگ نفت ایران معافیت بدهد تا آنها را به سیستمی وارد کند که طی آن ظرف ۶ ماه تا یک سال صادرات نفت ایران را کاهش دهند. البته این کشورها اعلام نکردند در چارچوب این مجوزهای آمریکا، از ایران خرید نفت دارند یا خارج از آن به کار خود ادامه خواهند داد و این هم نشان‌دهنده این است که شاید هیچ کدام از آنها صرفا به خاطر معافیت آمریکا، با ایران همکاری خود را ادامه نداده باشند.

سوم مودی که می‌تواند تاثیرگذار باشد مخاطرات ژئوپلیتیکی است. اتفاقاتی که در منطقه گاهی رخ می‌دهد و می‌تواند بر میزان فشار آمریکا روی ایران اثرگذار باشد. بالاخره جریان خاشقجی و مسائل ترکیه و عربستان باعث شد توجهات به سمت آن موضوع برود و بخشی از فشارهایی که قرار بود روی ایران وارد شود، به عربستان و آمریکا منتقل شد، لذا آمریکایی‌ها نتوانستند فضاسازی لازم را جهت ترساندن بقیه کشورها برای نخریدن نفت ایران ایجاد کنند.

چهارم اینکه ایران این فرض را داشت که شاید هیچ کدام از سه مورد بالا به نتیجه مطلوب نرسد و بازار جهانی هم اجازه دهد نفت ایران را خارج کنند و کشورهای خریدار نفت ایران هم نتوانند مجوز بگیرند و هم اینکه هیچ اتفاقی در منطقه به نفع ایران رخ ندهد، لذا ایران دست به کار شد و اقدامات پیشدستانه انجام داد: از جمله اینکه نفت خام را در برخی مقصدهای صادراتی انبار کرد و بورس نفت را راه‌اندازی کرد و نشان داد به‌رغم بسیاری از بدبین‌ها که می‌گفتند چون نفت تحریم است پس خریدار آن هم تحریم می‌شود و فرقی نمی‌کند طرفین معامله خصوصی باشند یا دولتی، ایران نفت خود را در بورس فروخت و مشخص شد این حرف کارشناسی نیست و شرکت‌هایی در دنیا هستند که آمادگی این را دارند که با وجود تحریم‌ها در صورت ایجاد بازار رقابتی و جذاب، خریدار نفت ایران باشند. اینجا باعث شد آمریکا فعلا به اهداف خود دست نیابد و شروع به اقدام در سایر مسیرها کرد، مثلا راهی که ایران نتواند پول نفت خام خود را برگرداند.

یکم بحث عرضه و تقاضای نفت و نیاز بازار مشخص است و جبران کسری صادرات نفت ایران توسط بقیه کشورها قابل تامین نیست و خروج ایران از این بازار می‌تواند باعث افزایش شدید قیمت‌ها شود؛ چنانکه ما شاهد بودیم قیمت‌ها تا کانال ۸۰-۹۰ دلار هم بالا رفت.

دوم تحلیلی که می‌شد و درست هم از کار درآمد این بود که بالاخره خرید نفت ایران برای بسیاری کشورها اقتصادی است و با توجه به پایبندی ایران به برجام و نبودن تحریم‌های شورای امنیت، این کشورها با تحریم آمریکا رعایت نمی‌کنند یا آمریکا مجبور می‌شود معافیت‌هایی را برای این کشورها در نظر بگیرد، لذا شاهد بودیم آمریکایی که تا آخر مقاومت می‌کرد و معافیتی درنظر نمی‌گرفت، مجبور شد به همه خریداران بزرگ نفت ایران معافیت بدهد تا آنها را به سیستمی وارد کند که طی آن ظرف ۶ ماه تا یک سال صادرات نفت ایران را کاهش دهند. البته این کشورها اعلام نکردند در چارچوب این مجوزهای آمریکا، از ایران خرید نفت دارند یا خارج از آن به کار خود ادامه خواهند داد و این هم نشان‌دهنده این است که شاید هیچ کدام از آنها صرفا به خاطر معافیت آمریکا، با ایران همکاری خود را ادامه نداده باشند.

سوم مودی که می‌تواند تاثیرگذار باشد مخاطرات ژئوپلیتیکی است. اتفاقاتی که در منطقه گاهی رخ می‌دهد و می‌تواند بر میزان فشار آمریکا روی ایران اثرگذار باشد. بالاخره جریان خاشقجی و مسائل ترکیه و عربستان باعث شد توجهات به سمت آن موضوع برود و بخشی از فشارهایی که قرار بود روی ایران وارد شود، به عربستان و آمریکا منتقل شد، لذا آمریکایی‌ها نتوانستند فضاسازی لازم را جهت ترساندن بقیه کشورها برای نخریدن نفت ایران ایجاد کنند.

چهارم اینکه ایران این فرض را داشت که شاید هیچ کدام از سه مورد بالا به نتیجه مطلوب نرسد و بازار جهانی هم اجازه دهد نفت ایران را خارج کنند و کشورهای خریدار نفت ایران هم نتوانند مجوز بگیرند و هم اینکه هیچ اتفاقی در منطقه به نفع ایران رخ ندهد، لذا ایران دست به کار شد و اقدامات پیشدستانه انجام داد: از جمله اینکه نفت خام را در برخی مقصدهای صادراتی انبار کرد و بورس نفت را راه‌اندازی کرد و نشان داد به‌رغم بسیاری از بدبین‌ها که می‌گفتند چون نفت تحریم است پس خریدار آن هم تحریم می‌شود و فرقی نمی‌کند طرفین معامله خصوصی باشند یا دولتی، ایران نفت خود را در بورس فروخت و مشخص شد این حرف کارشناسی نیست و شرکت‌هایی در دنیا هستند که آمادگی این را دارند که با وجود تحریم‌ها در صورت ایجاد بازار رقابتی و جذاب، خریدار نفت ایران باشند. اینجا باعث شد آمریکا فعلا به اهداف خود دست نیابد و شروع به اقدام در سایر مسیرها کرد، مثلا راهی که ایران نتواند پول نفت خام خود را برگرداند.

پنجم با توجه به اینکه اروپایی‌ها در عمل به وعده‌های خود کوتاهی کردند و آن را به تاخیر انداخته‌اند و همچنین ایران را معطل گذاشته‌اند، یک سوال اساسی مطرح می‌شود و آن اینکه امروز تکلیف ایران با کشورهای اروپایی چیست؟

از آنجا که اروپایی‌ها حلقه اول‌اند تنها امنیتی بلکه حوزه تمدنی خاورمیانه و غرب آسیا هستند و به دلیل سوابق ارتباطات سیاسی-اجتماعی با این منطقه و به‌ویژه با ایران به نقش و قدرت نرم و سخت کشورمان در منطقه قائلند، لذا علاقه‌مندند سازه و ساختار برجام پابرجا بماند. البته اینکه فکر کنیم اروپا امکان ایستادگی مقابل آمریکا را دارد خیلی واقع‌بینانه نیست. سلطه دلار اجازه نمی‌دهد اروپا بخواهد چنین نقشی را بازی کند، از سوی دیگر این مساله را هم داریم که اروپا با آمریکا و با ترامپ مشکل دارد. بنابراین من نسبت به موضع و اقدامات اروپا و ظرفیت‌ها و چالش‌هایی که دارد فکر می‌کنم اروپایی‌ها امروز بازی پلیس خوب و پلیس بد با ایران ندارند یا به‌نوعی جنگ زرگری نداشته و با آمریکا معامله تقسیم کار نکرده‌اند. ممکن است اروپایی‌ها اینکه فکر کنیم اروپا امکان ایستادگی مقابل آمریکا را دارد خیلی واقع‌بینانه نیست. البته اروپایی‌ها حلقه اول‌اند تنها امنیتی بلکه حوزه تمدنی خاورمیانه و غرب آسیا هستند و به دلیل سوابق ارتباطات سیاسی-اجتماعی با این منطقه و به‌ویژه با ایران به نقش و قدرت نرم و سخت کشورمان در منطقه قائلند، لذا علاقه‌مندند سازه و ساختار برجام پابرجا بماند. البته اینکه فکر کنیم اروپا امکان ایستادگی مقابل آمریکا را دارد خیلی واقع‌بینانه نیست. سلطه دلار اجازه نمی‌دهد اروپا بخواهد چنین نقشی را بازی کند، از سوی دیگر این مساله را هم داریم که اروپا با آمریکا و با ترامپ مشکل دارد. بنابراین من نسبت به موضع و اقدامات اروپا و ظرفیت‌ها و چالش‌هایی که دارد فکر می‌کنم اروپایی‌ها امروز بازی پلیس خوب و پلیس بد با ایران ندارند یا به‌نوعی جنگ زرگری نداشته و با آمریکا معامله تقسیم کار نکرده‌اند. ممکن است اروپایی‌ها تواجهی را ارائه دهیم، امکان اینکه آنها بتوانند با این قیمت‌ها رقابت کنند، بسیار پایین می‌آید. علاوه‌بر این، ما هم می‌توانیم از ابزار قدرت خود در منطقه استفاده کنیم و هم این تهاتری که با کشورها انجام می‌دهیم، یک معامله برد-برد باشد که البته کشورهایی مثل عراق و عربستان امکان این کار را ندارند؛ چون بازاری به این اندازه ندارند. علاوه‌بر این صادرات نفت آنها به اندازه‌ای بالاست که نمی‌توانند این میزان کالا را خریداری کنند. ما به اندازه‌ای که به چین، هند و ترکیه صادرات می‌دهیم، به‌راحتی می‌توانیم با دریافت کالا مشکلات خود را حل کرده و مواد اولیه کشور را تامین و به اقتصاد این کشورها هم کمک کنیم. این مساله **مهم** است.

اینها جذابیت‌هایی است که به آمریکا اجازه نمی‌دهد تا کشورها را مجبور کند از منافع خود بگذرند و با آمریکا همکاری کنند.

گاهی شاید احتیاج باشد همه پول‌های نفت خود را یا بخش زیادی از آن را برگردانیم. در این شرایط به مشکلی برنمی‌خوریم؟

این معنی ندارد. ما در داخل مصرف آنچنانی دلار نداریم. در داخل تنها روزی چند میلیون دلار نیاز داریم که برای مسافرو... است که از کنار صادرات غیرنفتی می‌توانیم آن را تامین کنیم و نیاز گسترده‌ای به ورود ارز به کشور نیست.

برای بالا بردن تنوع خرید کشور چطور؟ در آن شرایط هم نیاز به ارز نداریم؟

اروپا هم معافیت گرفته و ما می‌توانیم نیازهای دارویی و مواد غذایی را از آنجا تامین کنیم، از هند هم می‌توانیم محصولات کشاورزی و کالاهای مورد نیاز را و از چین هم مواد اولیه و کالاهای صنعتی را خریداری می‌کنیم. ما ارز را برای امور مصرف می‌کنیم و به ارز نیاز دیگری نداریم. از طرفی ما واردات زیادی از آمریکا و اروپا نداریم. بیشتر صادرات اروپا کالاهای سرمایه‌ای است و ما الان در شرایطی نیستیم که بخواهیم سرمایه‌گذاری کرده و تکنولوژی را وارد کنیم و دانشی خریداری کنیم، الان می‌خواهیم کشور را اداره کنیم تا دچار بحران نشود. طرح‌های توسعه‌ای در این شرایط خیلی معنا ندارد.

لذا نیازی برای اینکه پول‌ها به داخل کشور برگردد وجود ندارد؛ در این مواردی هم پول می‌تواند در خارج از کشور باشد و کالاهایی از چین، هند و جنوب شرق آسیا و کره خریداری شود.

در این بین اگر اروپایی‌ها بعد از ۶ ماه معافیت‌ها را قطع کنند و تمدید نکنند؟

بله، می‌توان این را پیش‌بینی کرد. البته بستگی به شرایط بازار و قیمت‌ها و وضعیت ما در دیپلماسی و ارتباطات دارد. این که بگوییم هند، چین و ترکیه می‌پذیرند، قدری جای تامل دارد. این کشورها یا به حدی فشار می‌آورند که مجوز و معافیت بگیرند یا همانند دفعه قبل، شرکت‌های جانبی خریداری می‌کنند و من عجیب می‌دانم آمریکا هیچ زمانی بتواند صادرات نفت خام ایران را به صفر برساند و می‌دانند این می‌تواند عواقب بدی در منطقه داشته باشد. این طور نیست که ایران هم بنشیند و تماشا کند و آنها هر تصمیمی که می‌خواهند در منطقه بگیرند. این مورد **مهم** است. قطعا اگر روزی قرار باشد ما نفت صادر نکنیم، حتما همسایگان ما هم نمی‌توانند به راحتی این کار را انجام دهند.

یک راه این است. راهکارهای دیگر ایران برای اینکه فروش نفت به صفر نرسد، چیست؟

بورس نفت یک راهکار بوده است. همچنین توانسته‌ایم از چنین مسیرهایی به پالایشگاه‌های کوچک آفریقا و آمریکای لاتین و... راه پیدا کنیم. از طرفی تعیین قیمت جذاب برای نفت خام از سوی ایران می‌تواند بسیاری از کشورها را وسوسه کند و بازارها را به هم بریزد، چراکه رقبای ما که هفت، ۸-۱۰ میلیون بشکه می‌فروشند، در چنین شرایطی خیلی ضرر می‌کنند. اگر ما قیمت‌های تهاجمی را ارائه دهیم، امکان اینکه آنها بتوانند با این قیمت‌ها رقابت کنند، بسیار پایین می‌آید. علاوه‌بر این، ما هم می‌توانیم از ابزار قدرت خود در منطقه استفاده کنیم و هم این تهاتری که با کشورها انجام می‌دهیم، یک معامله برد-برد باشد که البته کشورهایی مثل عراق و عربستان امکان این کار را ندارند؛ چون بازاری به این اندازه ندارند. علاوه‌بر این صادرات نفت آنها به اندازه‌ای بالاست که نمی‌توانند این میزان کالا را خریداری کنند. ما به اندازه‌ای که به چین، هند و ترکیه صادرات می‌دهیم، به‌راحتی می‌توانیم با دریافت کالا مشکلات خود را حل کرده و مواد اولیه کشور را تامین و به اقتصاد این کشورها هم کمک کنیم. این مساله **مهم** است.

اینها جذابیت‌هایی است که به آمریکا اجازه نمی‌دهد تا کشورها را مجبور کند از منافع خود بگذرند و با آمریکا همکاری کنند.

گاهی شاید احتیاج باشد همه پول‌های نفت خود را یا بخش زیادی از آن را برگردانیم. در این شرایط به مشکلی برنمی‌خوریم؟

این معنی ندارد. ما در داخل مصرف آنچنانی دلار نداریم. در داخل تنها روزی چند میلیون دلار نیاز داریم که برای مسافرو... است که از کنار صادرات غیرنفتی می‌توانیم آن را تامین کنیم و نیاز گسترده‌ای به ورود ارز به کشور نیست.

برای بالا بردن تنوع خرید کشور چطور؟ در آن شرایط هم نیاز به ارز نداریم؟

اروپا هم معافیت گرفته و ما می‌توانیم نیازهای دارویی و مواد غذایی را از آنجا تامین کنیم، از هند هم می‌توانیم محصولات کشاورزی و کالاهای مورد نیاز را و از چین هم مواد اولیه و کالاهای صنعتی را خریداری می‌کنیم. ما ارز را برای امور مصرف می‌کنیم و به ارز نیاز دیگری نداریم. از طرفی ما واردات زیادی از آمریکا و اروپا نداریم. بیشتر صادرات اروپا کالاهای سرمایه‌ای است و ما الان در شرایطی نیستیم که بخواهیم سرمایه‌گذاری کرده و تکنولوژی را وارد کنیم و دانشی خریداری کنیم، الان می‌خواهیم کشور را اداره کنیم تا دچار بحران نشود. طرح‌های توسعه‌ای در این شرایط خیلی معنا ندارد.

لذا نیازی برای اینکه پول‌ها به داخل کشور برگردد وجود ندارد؛ در این موارد هم پول می‌تواند در خارج از کشور باشد و کالاهایی از چین، هند و جنوب شرق آسیا و کره خریداری شود.

در مورد همین SPV ممکن است توضیح دهید.

آمریکا آنچنان مشکلی با این مساله ندارد که ایران به صورت بسیار محدود نفت بفروشد، در مقابل مثلا تهاتر کرده و کالا وارد کند یا حتی پولش را در یک حساب مشخص ذخیره کند. البته بین این شرط که کل این فرآیند زیعنی دخیره فروش‌وانتقال پول‌وافراد‌ومجموعه‌های فروشنده‌و خریدار مشخص‌وقابل رصدوپرهگیری باشندو ایران نیز نتوانند درآمد حاصل از فروش نفت خود را در هر زمینه‌ای مه‌دلخواه خودش است هزینه کند، بلکه می‌شود کاری باید به گونه‌ای باشد که ایران تهاتربتوان کالاهای خاصی را بخرد و در حوزه‌های خاصی هم مصرف کند.

اگر به بحث اصلی بپردازیم، معافیت‌های تحریمی چقدر مفید است و به اصطلاح چقدر باید از وجود آنها خشنود باشیم؟

به نظر من نباید خیلی خوشحال باشیم که هشت کشور از تحریم‌ها معافیت یافته‌اند و این اتفاق را به‌عنوان شکست صددرصدی آمریکا در نظر بگیریم. مهم در این میان این است که ما به این مساله فکر کنیم که اگر ما نفتی را هم به این هشت کشور می‌فروشیم بازگشت درآمدی ما چقدر است. اگر پول برمی‌گردد یا چه شرایطی، اگر پول را دریافت می‌کنیم چگونه می‌توانیم آن را خرج کنیم. آیا دریافت این پول الزاما به معنای خرج کردن آن با قواعد خاصی است؛ مثلا اگر روبه‌ما پول نفت را پرداخت می‌کنند مجبور خواهیم بود که فقط آن را خرج خرید کالا یا غذا و دارو کنیم؟ مثلا اگر خواستیم خودروی وارد کنیم بازهم این پول آزاد می‌شود؟ یا اگر خواستیم به صورت نقدی آن را وارد کشور کنیم باز هم پول در اختیار ما قرار می‌گیرد؟ آیا کانال مسدودسازی اروپا صادقانه کار خواهد کرد؟ آیا اروپا حاضر به تضمین قراردادهای با ایران است؟

به نظر من در مورد بازگشت پول در بخشی از مسیر اختلال وجود دارد، حداقل در قبال اروپایی‌ها. ما نفت به این کشورها صادر می‌کنیم اما شرایط بازگشت پول آن مشخص نیست و ممکن است تا پایان مهلت ۶ ماهه هم مشخص نشود و ما نتوانیم به طور دلخواه از آن استفاده کنیم. بیش از ۶۰ درصد صادرات نفتی ما امروز به کشورهای آسیایی‌ها ۱۸ مجموعه‌ای است که ما با آنها فعالیت می‌کنیم؛ از چین و هند گرفته تا مثلا سریلانکا که خرید سیاسر محدودی از ایران دارد. این کشورها امروز مصرف‌ها یا پول ملی خود یا ما تبادل مالی دارند و در داخل هنوز سیاست مشخصی در قابل این مدل دریافت پول نداریم. لذا باید بگوییم اگر معافیت صرفا معافیتی باشد که ما نفت را بفروشیم و پول آن را بازگشت پول آن را خرت نباشد، قاعدتا برای ما آنچنان مناسب نخواهد بود. اما کجا می‌توانیم خوشحال باشیم. آنجا که ما بتوانیم از شرایط کنونی به با سرمایه‌گذاری در داخل کشور چه در خارج استفاده کنیم و کالاهای مختلفی تولید و آنها را صادر کنیم یعنی از ظرفیت کاهش یک میلیون بشکه نفت استفاده و آن را چه در داخل و چه در خارج تبدیل به کالاهای پایین دست کنیم و با ارزش افزوده نسبت به خام بفروشیم و درآمد حاصل از آن را که بیشتر هم صرف استفاده کنیم؛ این یعنی عمل به اقتصاد مقاومتی در سخت‌ترین شرایط اقتصادی.

آمریکا دو هدف بسیار کردن جایگزین برای نفت ایران و همزمان کاهش قیمت نفت در پایان ۶ ماه می‌تواند عملیاتی کند؟

محرکی رشد قیمتی نفت از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که نفت در این بازه از نرخ بیش از ۱۰۰ دلار در هر بشکه به کمتر از ۳۰ دلار رسید به چه دلیل؟ به این دلیل که تعریف جایگزین‌های برای صادرات نفت باعث افزایش تولید و اعتماد تولیدکنندگان بازار نفت شد و این واقعه باعث شکسته شدن قیمت هر بازار راهشد. حتی عربستان هم در این شرایط با کسری بودجه مواجه شد و از طرفی تحت فشار آمریکا و البته تمایلات شخصی نمی‌خواست قیمت نفت را بالا ببرد. لذا برای جبران کسری بودجه خود مجبور می‌شد که بیشتر نفت صادر کند تا با تجربه به قیمت پایین نفت بتواند مشکلات اقتصادی خود را حل کند. این اتفاق حتی به قیمت این بود که کیفیت نفت عربستان در آن دوره به دلیل تولید بالا کاهش جدی پیدا کرد و حتی زیرساخت‌های صنعت نفت این کشور هم دچار فرسودگی شدند. در این شرایط البته فرصتی هم برای کشورهای رقیب وارد کننده نفت که در سال‌های پیش بعدی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ با مشکلات مختلفی ناشی از افزایش قیمت نفت روبه‌رو بوده‌اند، ایجاد شد تا اقتصاد خود را با نفت ارزان قیمت سروسامان دهند و به نوعی بازسازی کنند. بنابراین نباید اجازه دهیم که این فرآیند دوباره تکرار شود و فرصت نفت بسکند.

خب ایده شما هم برای جلوگیری از صادرات صفر و هم شکسته شدن قیمت‌ها چیست؟

حداقل اینکه مجموعه‌ای از اقدامات را پیش رو قرار دهیم. صرف‌نظر از اینکه اگر قرار است نفت خود را بفروشیم چه با معافیت چه با دور زدن مجموعه‌ای کاری کنیم که آمریکا متوجه نشود چقدر نفت و به کجا می‌فروشیم یا اینکه از امروز ذخایر نفتی خود را در نقاط مختلف فراسرزمینی ایجاد و در طول زمان آنها را آزاد کنیم و چندین راهکار دیگر، باید به فکر ایجاد بسترهای متفاوت و متنوعی برای بازگشت درآمد حاصل از فروش نفت به کشور باشیم. آقای جهانگیری گفته‌اند که بیشتری ذخایر ارزی نسبت به سال‌های گذشته را داریم. مواظب باشیم آمریکایی‌ها بال بیرم. قابلیت دارد شدن به کشور را دارد؟ چراکه صرفا اگر این پول‌ها به حساب بانک مرکزی منتقل شود و در مقابل آنها ما در داخل ریال چاپ کنیم صرفا پایه پولی را بالا بردهایم و سودی در این کار نداشته باشیم. ولی تلاش من هم این باشد که با توجه به مشکلات

سید حمید حسینی، سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان نفت و گاز و پتروشیمی:

چرا آمریکا نمی‌تواند فروش نفت ایران را به صفر برساند

یعنی سونیفت را برای ایران تحریم کرد. در این زمینه و در بیان مورد **صحیح** باید گفت که قطعا بانک مرکزی با سونیفت خیلی کار نداردو بانک‌های دیگر ما با این سامانه کار می‌کنند. در این زمینه چند مدل تحریم وجود دارد؛ برخی بانک‌های قدیمی و بزرگ هستند که هم خودشان تحریمند و هم اگر کسی با اینها کار کند، تحریم می‌شود.

لذا دسترسی آن بانک‌ها قطع شده و اگر دسترسی هم داشته باشند، محدود شده است. البته کسی در دنیا با آن بانک‌ها کار نمی‌کند. دوم، برخی بانک‌ها را فقط آمریکایی‌ها حق ندارند با آنها کار کنند، مثل بانک خاورمیانه، بانک توسعه، بانک حکمت ایرانیان و چند بانک دیگر. بنابراین اینها به سونیفت دسترسی دارند. از طرفی یک‌سری بانک‌ها هستند EIH که در اروپا هستند هم مجازند برای مواد غذایی و دارو اقدام کنند و با ایران مبادله داشته باشند که خود این هم می‌تواند قدم‌بزرگی باشد که مشکلی برای خرید مواد غذایی و دارو نداشته باشیم.

خب اگر بخواهید جمع‌بندی کنید، چه می‌گویید؟

باید بگویم که درمجموع آمریکا نتوانست از طریق فشارهای شدید و قلدرمآبی کار کند، درنتیجه مجبور شد انعطاف نشان دهد و تلاش کند همکاری سایر کشورها را جلب کند. امروز اما بیشترین فشار آمریکا به اتحادیه اروپاست تا سیستم مالی وعده‌داده شده خود را با ایران راه‌اندازی نکند. امیدوارم که اتحادیه اروپا روی حرفی که زده و قولی که داده بماند و آن سیستم را راه‌اندازی کند. ضمنا باید این نکته را هم بیان کنم که باوجودی که سونیفت قطع می‌شود، سونیفت‌های روسی و سیستم‌های جایگزین فعال می‌شوند که می‌توانیم با استفاده از آنها مشکلات خود را حل کنیم یا فعالیت از دیجیتالی که به تازگی شروع شده، می‌تواند به حل مشکلات نقل‌وانتقال ما کمک کند.

از این‌رو به نظر می‌رسد ما می‌توانیم از مسیرهای توضیح داده شده، مشکلات خود را حل کنیم و در کوتاه‌مدت حداقل هم بخشی از صادرات ما بازگردد، هم شرایط کشور عادی‌تر شود و هم قیمت‌ها از قابل کنترل‌تر شود. خلاصه اینکه به نظر می‌رسد اوج تحریم‌ها در ماه گذشته بود و بعد از ۱۳ آبان کاهش فشار تحریم‌ها را هم بر صادرات و هم بر بازار از شاهد باشیم که در این صورت در بازار داخلی ثبات خواهیم داشت.

تحلیلی بر این مبنا وجود دارد که آمریکا اول برای تحریم نفت ایران تلاش ویژه‌ای کردولی وقتی دید قیمت نفت افزایش داشت برای کاهش قیمت نفت معافیت‌های گفته‌شده را ایجاد کرد و حالا تلاش می‌کند با مازاد تولیدی که در بازار از سوی عربستان و... می‌رود، کاهش نفت ایران را جبران کند و همچنین قیمت را کاهش دهد و ۶ ماه هم فرصت دارد تا موانع «قیمت نفت» و «کسری نفت» را با ترفندهای مختلف جبران کند. چنین تحلیلی را قبول دارید؟

قطعا اگر انتخابات آمریکا را عدد نظر قرار دهیم، می‌توانیم این تحلیل را دردست بدانیم اما حالا انتخابات آمریکا تمام شده. در این مدت بیشترین نگرانی آمریکا بحث اعطای معافیت‌ها بود که چه اثری بر سیاست‌های آمریکا دارد. خب سوال اینجاست که آیا معافیت‌های آمریکا می‌توانست به جای بازه ۶ ماهه، ۵۰-۴۰ روزه باشد و با ابزارهای دیگری کاهش قیمت را انجام دهد؟ پاسخ منفی است. این اتفاق **متاسفانه** مورد است. کشورها اصرار داشتند چنین اتفاقی نیفتد؛ چراکه کمترین واکنش، مربوط به قیمت‌های نفتکش‌ها در دنیا بود که به‌شدت افزایش می‌یافت. لذا همکاران آمریکا به‌شدت با این سیاست مقابله کردند، یعنی سرسختی نشان دادند. از زاپنی‌های محافظه‌کار تا کره‌جنوبی و... این چنین رفتار کردند، بنابراین نمی‌توان گفت فرصت ۶ ماهه صرفا برای کنترل بازار بوده؛ چون به نظرم این اتفاق بیشتر جنبه انتخاباتی داشته و تمام شده است.

خب قیمت‌ها کاهش جدی هم داشته‌اند.

بله. این معافیت‌هایی که صادرشده‌اند باعث کاهش شدید قیمت‌ها شده است. اما الان کشورهای اوپک دور هم جمع شده‌اند و بحث کاهش تولید را مطرح می‌کنند. ببینید ممکن است آمریکا بخواهد قیمت‌ها کاهش یابد ولی از سویی، این کشورهای صادرکننده نفت همانند روسیه و عربستان هستند که اگر قیمت‌ها از ۷۰ دلار کاهش یابد به‌شدت دچار مشکل خواهند شد. این را می‌توان به عنوان مورد **مهم** مدنظر قرار داد. امروز پارادوکسی اتفاق افتاده است. آمریکا از یک‌سو فشار می‌آورد قیمت‌ها کاهش یابد و از سوی دیگر کشورهای نفتی به این فکر هستند که تولید نفت را کاهش دهند و اجازه ندهند قیمت نفت بیش از این کاهش یابد. از این‌رو به نظر نمی‌رسد آمریکا طرح مشخصی نسبت به مقابله با ایران داشته باشد. از روی عصبانیت کاری می‌کنند و به همین دلیل نمی‌توانند نتیجه بگیرند. بنده معتقدم آمریکا نتوانسته استراتژی منسجمی را مقابل ایران اتخاذ کند و با این حرکات هم بعید می‌دانم موفق شود. حتی ممکن است برخی ابزارها همانند سونیفت، مبادلات دلار، خریدوفروش نفت و... را با این کار خودزیر سوال ببرد و در بلندمدت آمریکا بازنده این حرکت انفرادی در بازار جهانی باشد. بعید می‌دانم آمریکا هیچ زمانی بتواند صادرات نفت خام ایران را به صفر برساند.

آمریکا با فشار بر عربستان و کشورهای دیگر و حتی با همکاری روسیه ممکن است بتواند کمبود نفت ایران را جبران کند؟

ببینید این کشورها همکاری نمی‌کنند. روسیه و عربستان چرا باید با آمریکا همکاری کنند؟ شاید ظاهرا در این مدت همراهی کردند ولی در عمل این مساله را نمی‌بینیم. اگر عملا همکاری کرده بودند، ترامپ مجبور نبود معافیت دهد. اگر این کشورها همراهی کرده بودند و توانسته بودند کسری نفت ایران را جبران کنند، حتما آمریکا معافیت را نمی‌داد. توان همه این کشورها روی هم یک میلیون بشکه هم نمی‌شود. لذا آمریکا مجبور شد تن به معافیت دهد.

هشتم هر چند به همین نسبت که گاهی برخی کشورها اندکی تولید خود را افزایش می‌دهند، ونزوئلا، لیبی، نیجریه و... کشورهای مشکل‌داری هستند که توان تولید زیادی ندارند و خودشان کسری به بازار وارد می‌کنند. این مسائل هم وجود دارد و نمی‌توان گفت تولید افزایش می‌یابد. ممکن است در آمریکا تولید افزایش داشته باشد ولی در جای دیگر کاهش را شاهد هستیم.

این تحلیل را قبول دارید که ممکن است آمریکایی‌ها بعد از ۶ ماه معافیت‌ها را قطع کنند و تمدید نکنند؟

بله، می‌توان این را پیش‌بینی کرد. البته بستگی به شرایط بازار و قیمت‌ها و وضعیت ما در دیپلماسی و ارتباطات دارد. این که بگوییم هند، چین و ترکیه می‌پذیرند، قدری جای تامل دارد. این کشورها یا به حدی فشار می‌آورند که مجوز و معافیت بگیرند یا همانند دفعه قبل، شرکت‌های جانبی خریداری می‌کنند و من عجیب می‌دانم آمریکا هیچ زمانی بتواند صادرات نفت خام ایران را به صفر برساند و می‌دانند این می‌تواند عواقب بدی در منطقه داشته باشد. این طور نیست که ایران هم بنشیند و تماشا کند و آنها هر تصمیمی که می‌خواهند در منطقه بگیرند. این مورد **مهم** است. قطعا اگر روزی قرار باشد ما نفت صادر نکنیم، حتما همسایگان ما هم نمی‌توانند به راحتی این کار را انجام دهند.

یک راه این است. راهکارهای دیگر ایران برای اینکه فروش نفت به صفر نرسد، چیست؟

بورس نفت یک راهکار بوده است. همچنین توانسته‌ایم از چنین مسیرهایی به پالایشگاه‌های کوچک آفریقا و آمریکای لاتین و... راه پیدا کنیم. از طرفی تعیین قیمت جذاب برای نفت خام از سوی ایران می‌تواند بسیاری از کشورها را وسوسه کند و بازارها را به‌هم بریزد، چراکه رقبای ما که هفت، ۸-۱۰ میلیون بشکه می‌فروشند، در چنین شرایطی خیلی ضرر می‌کنند. اگر ما قیمت‌های تهاجمی را ارائه دهیم، امکان اینکه آنها بتوانند با این قیمت‌ها رقابت کنند، بسیار پایین می‌آید. علاوه‌بر این، ما هم می‌توانیم از ابزار قدرت خود در منطقه استفاده کنیم و هم این تهاتری که با کشورها انجام می‌دهیم، یک معامله برد-برد باشد که البته کشورهایی مثل عراق و عربستان امکان این کار را ندارند؛ چون بازاری به این اندازه ندارند. علاوه‌بر این صادرات نفت آنها به اندازه‌ای بالاست که نمی‌توانند این میزان کالا را خریداری کنند. ما به اندازه‌ای که به چین، هند و ترکیه صادرات می‌دهیم، به‌راحتی می‌توانیم با دریافت کالا مشکلات خود را حل کرده و مواد اولیه کشور را تامین و به اقتصاد این کشورها هم کمک کنیم. این مساله **مهم** است.

اینها جذابیت‌هایی است که به آمریکا اجازه نمی‌دهد تا کشورها را مجبور کند از منافع خود بگذرند و با آمریکا همکاری کنند.

گاهی شاید احتیاج باشد همه پول‌های نفت خود را یا بخش زیادی از آن را برگردانیم. در این شرایط به مشکلی برنمی‌خوریم؟

این معنی ندارد. ما در داخل مصرف آنچنانی دلار نداریم. در داخل تنها روزی چند میلیون دلار نیاز داریم که برای مسافرو... است که از کنار صادرات غیرنفتی